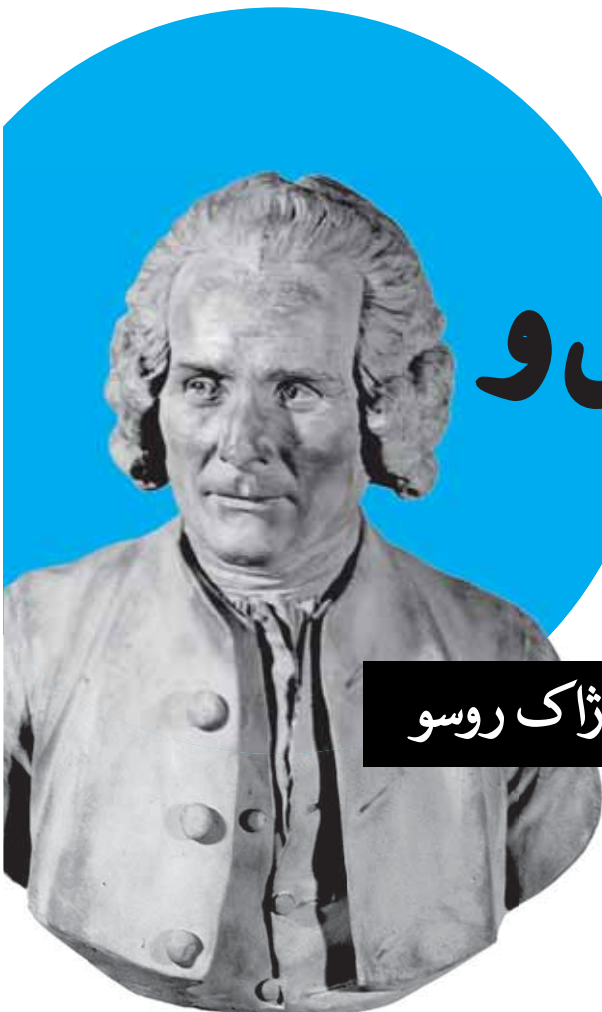


تربیت اخلاقی و مهارت‌های اجتماعی

مروری بر اندیشه‌های تربیتی ژان ژاک روسو

محمود امیدی

کارشناس ارشد مطالعات برنامه‌ریزی درسی دانشگاه شاهد تهران



اشاره

روسو از آن دسته دانشمندانی است که اندیشه‌هایش در علمی چون تعلیم و تربیت، حقوق و سیاست تأثیر زیادی بر دانشمندان بعد از او گذاشت و می‌توان گفت دانشمندان بعد از او، وام‌دار تفکرات او هستند. روسو در بحث تربیت، به ابعاد مختلف تربیت می‌پردازد و تأکید دارد باید تربیت در تمام جنبه‌ها رشد یابد. از ابعاد تربیتی روسو، دو بعد تربیت اخلاقی و اجتماعی که با هم در تعامل‌اند، دارای اهمیت بسزایی هستند. روسو تربیت صحیح را در دامن طبیعت می‌پندارد و اعتقاد دارد کودکان باید تا سنین ۱۲ سالگی به‌دست طبیعت تربیت شوند و دور از جامعه به زندگی خود ادامه دهند. از این‌رو، بررسی مهارت اجتماعی روسو می‌تواند به ما کمک کند تا درک روشنی از بعد تربیت اجتماعی او به‌دست آوریم.

کلیدواژه‌ها: ژان ژاک روسو، تربیت اخلاقی، مهارت‌های اجتماعی

تعلیم و تربیت فرایند پیچیده‌ای است که هم در آغوش خانواده، هم در اجتماع و هم در محیط مدرسه جریان دارد. تاریخ تعلیم و تربیت نشان می‌دهد که از دیرباز دست‌کم در پاره‌ای از تمدن‌ها، همچون تمدن غرب و تمدن اسلام، فعالیت‌های تعلیم و تربیت در چارچوب آموزه‌های نظری خاصی صورت گرفته است. (پاک‌سرشت، ۱۳۸۶: ۱۲۶).

در این راستا فلاسفه مهم‌ترین نقش را در تدوین مکاتب تربیتی ایفا کرده‌اند. آنان با ارائه نظام خاصی که برگرفته از چگونگی نگاهشان به جهان هستی و انسان بوده است، در صدد تبیین آرای تربیتی خود برآمده‌اند. در حقیقت، فلاسفه با ارائه آرای تربیتی - آموزشی خود و اهداف و غایات آن و نیز به چالش کشیدن اندیشه‌های تربیتی دیگر، همواره مؤثرترین عامل در روند تربیت بوده‌اند، به گونه‌ای که امروزه نیز برای انتخاب و گزینش روش‌های آموزشی باید برخی از بنیان‌های فلسفی را پذیرفت. (نقیب‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۹۶).

از این‌رو، روسو جزو آن دسته از اندیشمندانی است که اندیشه‌ها و نوشته‌های او در زمینه‌های گوناگون از جمله حقوق، تعلیم و تربیت، جامعه‌شناسی، قوانین اجتماعی و ... تأثیر شگرفی روی اندیشه‌های صاحب‌نظران بعد از خود گذاشت. به گونه‌ای که اولیچ (۱۳۷۵)، مایر (۱۳۵۱) و فرمهینی فراهانی (۱۳۸۴) بر این عقیده‌اند که یافتن فردی در تاریخ اندیشه‌ها مانند روسو که با بیان نیمی از حقیقت این اندازه اثر عمیق روی بشریت داشته باشد، مشکل خواهد بود. مبانی فلسفی روسو بر مبنای طبیعت پایه‌گذاری شده است. او هر چیزی را که به‌دست طبیعت سپرده شود، می‌پسندد. از ابعاد گوناگون تربیت، روسو به تربیت اجتماعی و اخلاقی بسیار اهمیت می‌دهد و پندارهای مهمی هم در این نوع از تربیت بیان می‌دارد که ما در ادامه بحث به آن‌ها اشاره خواهیم کرد. همه انسان‌ها نیازمند رابطه و برقراری ارتباط با دیگران هستند.

چرا که انسان اصالتاً موجودی است اجتماعی و حیات و زندگی پویا و مولد آدمی در گرو روابط بین فردی و ارتباطات مؤثر و مفید و متقابل با دیگران است. به سخن دیگر، بدون ارتباطات مؤثر اجتماعی و تعامل بین فردی، انسان نمی تواند به رشد مطلوب و شکوفایی شخصیت خود برسد. انسان موجودی اجتماعی است و برای بهزیستی و همزیستی مسالمت آمیز، ناگزیر به همکاری با دیگران، مشارکت در عرصه های متفاوت اجتماعی، پذیرش مسئولیت و داشتن سهمی برای سازندگی جامعه خویش است. زیرا نیازها و خواسته های گوناگون او را وامی دارند که با مساعدت و یاری دیگران، موانع و مشکلات را از پیش پای خود بردارد، اطمینان و آرامش خود را حفظ کند و به سوی کمال مطلوب پیش برود (عابدینی، ۱۳۸۳: ۱۷-۱۸).

از سوی دیگر، تربیت مهارت اجتماعی در گرو تربیت صحیح است. از این رو در تعریف مهارت اجتماعی می توان گفت: مهارت های اجتماعی مجموعه رفتارهایی اکتسابی هستند که از طریق مشاهده، مدل سازی، تمرین و باز خورد آموخته می شوند و دارای ویژگی هایی به این شرح اند:

- ع رفتارهای کلامی و غیر کلامی و پاسخ های مناسب و مؤثر را شامل می شوند.
- ع بیشتر جنبه تعاملی دارند و تقویت اجتماعی را به حداکثر می رسانند.
- ع براساس ویژگی ها و محیطی که فرد در آن واقع شده است، توسعه می یابند و از طریق آموزش رشد می کنند (میچلسون، ۱۹۸۳، به نقل از کرامتی، ۱۳۸۱).

۱. تربیت اخلاقی در نظام تربیتی روسو چگونه است؟

روسو در باب تربیت اخلاقی عقیده دارد برترین جنبه انسان که او را از دیگر جانوران متمایز می کند، وجدان اخلاقی، یعنی توانایی تشخیص نیک از شر و گرایش به نیک است. انسان پاک و نیک است. وجدان او ندایی آسمانی دارد و داور نیک و بدی است. روسو از لزوم پرورش خواسته های حقیقی و طبیعی و تبدیل حرص و تمایلات سوء به تمایلات و گرایش های خلاق و مثمر تر سخن می گوید. او اظهار می دارد: اگر طبیعت غرایز سرکش جوان، تربیت شود، نهایتاً احساسات اخلاقی بزرگی، نظیر عشق، عدالت و وظیفه در او رشد خواهد کرد. اعتقادات روسو در زمینه پرورش اخلاقی افراد، ناشی از این امر است که وی اعتقاد دارد، انسان قادر است غرائز را انتخاب کند (حسینی، صفدریان، ۱۳۹۲).

از سوی دیگر، روسو بهترین روش برای تربیت اخلاقی کودکان را در جامعه روش تربیت منفی می داند. او باور دارد که نیازی نیست والدین به فرزندان خود بگویند چه چیزی خوب است و چه چیزی بد، فقط باید آن ها را از کارهای انحرافی دور نگه داشت (دوری از

محیط فساد آلوده). همچنین نباید آن ها را تحت فشار قرار دهیم تا برای انجام کارهای خود دلیل بیاورند. در صورت پافشاری والدین برای دلیل کارهای کودک آن ها به دروغ گویی متوسل می شوند. روسو به این نوع تربیت «تربیت منفی» می گوید. با توجه به آرای روسو در باب تربیت اخلاقی می توان این طور نتیجه گرفت که روسو در مورد تربیت اخلاقی قائل به دو نکته است:

۱. انسان هنگام تولد فطرتی پاک دارد و این جامعه است که او را به سمت فساد و آلودگی سوق می دهد.
۲. تربیت منفی می تواند روشی باشد در تربیت اخلاقی برای تربیت صحیح افراد. بدین معنا که نیازی نیست کسی به فرد یاد دهد چه چیزی خوب است و چه چیزی بد. فقط باید افراد را از شرایط فاسد و آلوده دور کرد. در این صورت آن ها خود یاد خواهند گرفت که به سمت اعمال فاسد نروند و طبیعت راه درست زندگی کردن را به افراد نشان خواهد داد.

۲. مهارت های اجتماعی در اندیشه تربیتی روسو کدام اند؟

مهارت های اجتماعی یک سلسله رفتارهای اکتسابی کلامی و غیر کلامی هستند که بیشتر جنبه تعاملی دارند. با آموزش رشد می یابند و توسعه آن ها براساس ویژگی های محیطی فرد صورت می پذیرد. در یک نگاه کلی می توان گفت، هر نوع مهارتی که تعامل و ارتباط با دیگران را بهبود بخشد، «مهارت اجتماعی» نامیده می شود (دوج، ۱۳۹۳). لازمه کسب مهارت های اجتماعی، اجتماعی شدن فرد است. مفهوم اجتماعی شدن در معنی روان شناختی و جامعه شناختی به حالتی اطلاق می شود که فرد خود را درون اعضای یک گروه با فرهنگ خاص آن گروه تطبیق می دهد. پژوهش های به عمل آمده در زمینه اجتماعی شدن نشان داده اند که رفتارهایی نظیر همکاری، مسئولیت پذیری، همدلی، خویش تن داری و خود اتکایی، در دسته بندی مربوط به مهارت های اجتماعی قرار می گیرند (نصرافهانی، فاتحی زاده و فتحی، ۱۳۸۳: ۷). از سوی دیگر، برای اینکه نگاهی واقع بینانه به مهارت های اجتماعی در اندیشه تربیتی روسو داشته باشیم، ابتدا باید چگونگی تربیت اجتماعی را از نظر او شرح دهیم. از این رو در ادامه به ارائه عقاید او در مورد اجتماع و تربیت اجتماعی

روسو نگاهی بدبینانه به جامعه داشت که انسان را به تباهی می کشد و او را به شکلی تربیت می کند که در بزرگسالی می تواند یک موجود ترسناک باشد

وقتی گروهی از مردم اجتماع می‌کنند و هیئتی را تشکیل می‌دهند، اگر به یکی از آن‌ها اهانت، توهین و بی‌احترامی شود، مثل آن است که به سایر اعضای گروه توهین شده است

افراد می‌پردازیم و بعد در مورد مهارت‌های اجتماعی از نظر او سخن می‌گوییم.

روسو معتقد است، هر چه که از دست خالق عالم جل شأنه بیرون می‌آید، از عیب و نقص مبراست. ولی به محض اینکه به دست اولاد آدم می‌رسد، فاسد می‌شود (روسو، ترجمه زیرک‌زاده، ۱۳۴۲: ۵). روسو نگاهی بدبینانه به جامعه داشت که انسان را به تباهی می‌کشد و او را به شکلی تربیت می‌کند که در بزرگسالی می‌تواند یک موجود ترسناک باشد. او معتقد است که طبیعت انسان را نیک پدید آورده، ولی این جامعه است که او را شریر تربیت می‌کند. طبیعت انسان را خوشبخت آفریده ولی جامعه او را بدبخت و بیچاره نموده است (شاوارده، ۱۳۵۱: ۴۸).

از سوی دیگر، روسو بودن فرد در جامعه سالم را ضروری می‌داند و می‌گوید به محض اینکه طفل شروع به تعقل و استدلال کرد، باید مواردی را که ممکن است خودش را با کودکان دیگر مقایسه کند، از وی دور داشت. زیرا از این مقایسه غیر از خودپسندی و حسد چیزی عاید او نمی‌شود. چون **امیل** باید در جامعه زندگی کند، لازم است روابط اجتماعی را مطالعه کند (روسو، ترجمه زیرک‌زاده، ۱۳۴۲: ۱۴۵). او همچنین در مورد اهمیت زندگی اجتماعی می‌گوید: آن کس

که
بخواهد دور
از آدمیان زندگی
کند و به هیچ کس
وابستگی نداشته باشد و خود

رفع حاجت خویش را بنماید، آدم بدبختی خواهد بود؛ حتی ممکن نیست بتواند زنده بماند (همان، ص ۱۴۶). روسو معتقد است که امیل (شاگرد خیالی او) باید سرانجام به اجتماع بپیوندد، اما اجتماع اصلاح شده یا اجتماعی براساس قرارداد اجتماعی. اصلاح اجتماع نیز مستلزم وجود انسان اصلاح شده است و هدف تربیت نیز باید پرورش افرادی باشد که بتوانند در جامعه منظم فردا زندگی کنند (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸: ۹۸). از این رو، با توجه به مطالب فوق، مهارت اجتماعی در اندیشه تربیتی روسو شامل موارد زیر می‌باشد.

۱ **آگاهی از خویشتن**: به عقیده روسو دو غریزه اصلی، یعنی «صیانت نفس» یا خودپرستی و غریزه «تودوستی» یا دیگرخواهی در طبیعت بشر وجود دارد. انسان اصالتاً خوب و همدل است و وجدانی دارد که او را به داوری درباره درستی و نادرستی چیزها قادر می‌سازد. از نظر روسو، در حالی که غرایز اولیه باعث اتحاد و یگانگی انسان‌ها می‌شوند، عقل آن‌ها را از هم جدا می‌کند. از همین رو وجدان و عقل در کنار هم می‌توانند تمایلات انسان را محدود کنند (والتر، ۱۹۷۳: ۱۶۵).

۲ **مسئولیت‌پذیری و تعهد نسبت به دیگران (حرفه خود و قانون)**: هیچ کس از کار کردن برای رفع احتیاجات خویش معاف نیست (روسو، ترجمه زیرک‌زاده، ۱۳۴۵: ۲۲). تعهدی که فرد در برابر قانون و حکومت دارد، قابل لغو نیست و اگر در انجام تعهد خویش کوتاهی کند، می‌تواند برای او عواقب ناگواری داشته باشد. اما اگر فرد با خود تعهد کرده است، می‌تواند آن را لغو کند و قانوناً مقصر نیست (همان، ص ۶۵). از سوی دیگر، این تعهدات اجتماعی است که روابط بین افراد را در جامعه مشخص می‌سازد (همان، ص ۸۹). آن کس که تکلیفی را که طبیعت بر وی تحمیل نکرده است، به عهده می‌گیرد، باید قبلاً وسایل موفقیت خود را تأمین کند، و الا مسئول آنچه که نتوانسته است بکند خواهد شد (روسو، ترجمه زیرک‌زاده، ۱۳۴۲: ۳۴). دروغ عاملی خواهد شد برای وفا نکردن به عهد. چون کودک نمی‌تواند آینده را پیش‌بینی کند، قادر نیست نتایج اعمال خود را حدس بزند و هر وقت عهدشکنی کند، به عقیده خود کاری برخلاف عقل نکرده است (همان، ص ۷۹). با توجه به مطلب فوق، می‌توان چنین گفت که روسو بر تعهد فرد نسبت به خود، جامعه و دیگران تأکید دارد و معتقد است که افراد باید روی تعهد خود باقی بمانند.

۳ **معاشرت اجتماعی**: همان‌طور که قبلاً اشاره شد، روسو معتقد



کنند» (همان، ص ۹۷). روسو همچنین در مورد احترام به ادیان چنین می‌گوید: «من تمام ادیان را خوب و قابل احترام می‌شمارم، به شرط اینکه پیروان آن خدا را بشناسند و او را خوب عبادت کنند» (همان، ص ۲۱۷).

نتیجه‌گیری

ژان ژاک روسو یکی از اندیشمندان مشهور حوزهٔ تعلیم و تربیت است و هدف این مقاله بررسی تربیت اخلاقی و مهارت اجتماعی در آرا و اندیشه‌های او بود. تربیت اخلاقی در نظر روسو تضمین‌کنندهٔ حیات بشری است. روسو اعتقاد دارد فطرت انسان از سوی خداوند متعال پاک آفریده شده است. انسان در ذات خود پاک و منزه از هر گونه زشتی و پلیدی است. به نظر روسو این جامعهٔ آلوده به فساد است که انسان را به سمت انحرافات سوق می‌دهد. برای جلوگیری از انحرافات جامعه، تنها راه ممکن بازگشت به طبیعت پاک است. روسو شکل‌گیری روابط اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی را در گرو داشتن وجدان اخلاقی (اخلاق نیکو) می‌داند. از نظر او، زندگی انسان به تنهایی و دور از جامعه امکان‌پذیر نیست و او باید بعد از سپیری کردن آموزش اولیه در طبیعت به دامن اجتماع باز گردد. از این‌رو التزام به مهارت‌های اجتماعی از جانب فرد اهمیت دو چندان پیدا می‌کند. آگاهی از خویشتن، مسئولیت‌پذیری، معاشرت اجتماعی و احترام به دیگران از جمله مهارت‌های اجتماعی مهم در جامعه است که افراد بشر برای داشتن زندگی بهتر و همکاری و تعاون با هم باید به آن‌ها التزام داشته باشند.

است افراد در جامعه باید در کنار هم زندگی کنند و با یکدیگر به تعاون و همکاری بپردازند. از این‌رو تأکید دارد که در معاشرت با دیگران مواردی همچون اشتراک ذوق و سلیقه و توافق اخلاقی را باید در نظر گرفت. همچنین اعتقاد دارد که باید ثروت افراد متمول جامعه در راستای آسایش سایر افراد جامعه به کار گرفته شود (همان، ص ۲۳۳). در برابر موانع اجتماعی که بر سر راه مردمان جامعه پیش می‌آید، این نیروی جمعی و اجتماعی آن‌هاست که می‌تواند آن‌ها را به پیروزی برساند. متحد شدن آن‌ها برای از بین بردن موانع مفید است (روسو، ترجمه زیرک‌زاده، ۱۳۴۵: ۶۱-۶۰). بعد از آنکه انسان زندگی طبیعی و حالت توحش را ترک کرد و وارد زندگی اجتماعی شد، تغییرات بزرگی در وی پدید آمد. در رفتار او عدالت جانشین ظلم و تعدی غریزی، و اعمال وی برخلاف سابق تابع قوانین اخلاقی شد. آن وقت تکلیف جای شهوات نفسانی و حق، جای هوا و هوس را گرفت و انسان که تا آن روز به فکر نفع خود بود، مجبور شد مطابق اصول دیگری رفتار کند و قبل از متابعت از تمایلات خود، با عقل مشورت کند (همان، ص ۶۹). این منافع مشترک هستند که می‌توانند روابط اجتماعی را در جامعه مشخص سازند (همان، ص ۷۶).

با توجه به مطالب فوق، انسان‌ها به دلیل نیازی که به یکدیگر دارند و منافع مشترک که در جامعه دارند، باید به تعاون و مشارکت با یکدیگر بپردازد.

ع احترام به دیگران: روسو در مورد احترام به دیگران این‌گونه بیان می‌دارد: «وقتی گروهی از مردم اجتماع می‌کنند و هیئتی را تشکیل می‌دهند، اگر به یکی از آن‌ها اهانت، توهین و بی‌احترامی شود، مثل آن است که به سایر اعضای گروه توهین شده است. بنابراین باید افراد در روابط اجتماعی احترام به دیگران را رعایت

منابع در دفتر مجله موجود است.

تربیت اخلاقی و مهارت اجتماعی در آرا و اندیشه‌های تربیتی ژان ژاک روسو	
تربیت اخلاقی	
۱. وجدان اخلاقی برترین جنبهٔ اخلاقی انسان است که جداکنندهٔ خیر و شر آدمی است.	
۲. برای دور ماندن از انحرافات و حفظ اخلاق پاک باید به طبیعت رجوع کرد.	
مهارت‌های اجتماعی در آرا و اندیشه‌های روسو	
آگاهی از خویشتن	انسان دارای فطرتی پاک است.
مسئولیت‌پذیری	همگان در برابر خود و جامعهٔ خود مسئول هستند.
معاشرت اجتماعی	انسان بدون روابط اجتماعی نمی‌تواند به زندگی خود ادامه دهد.
احترام به دیگران	احترام به گروه‌های اجتماعی و ادیان مختلف نشان‌دهندهٔ اجتماعی بودن افراد بشر است.